



جایگاه اصل تفرید مجازات‌ها در حقوق موضوعه ایران



دکتر بهزاد منصوری شیخ جان، معاون اداره کل پیشگیری، عفو و سجل قضایی سازمان قضایی نیروهای مسلح، مدرس دانشگاه

چکیده

اصل تفرید مجازات‌ها به عنوان یکی از اصول مترقی که استثنایی بر اصل قانونی بودن مجازات‌ها می‌باشد؛ به معنی اعمال و اجرای مجازات متناسب با شخصیت و ویژگی‌های جسمی، روانی و اجتماعی فرد مجرم است که به اعتبار ماهیت جرم ارتكابی و یا خصوصیات مجنی‌علیه از طرف مقنن پیش‌بینی شده است و از سوی قوای قضائیه و مجریه به منصفه ظهور رسیده است و ممکن است حسب مورد منجر به تشدید، تخفیف یا تعلیق و ... مجازات شود. این پژوهش به روش توصیفی- تحلیلی، به بررسی اصل تفرید مجازات‌ها و کیفیت آن در حقوق موضوعه ایران پرداخته است. حقوق کیفری ایران از به کار بستن اصل تفرید مجازات‌ها به دنبال رسیدن به اهداف اجتماعی و فردی از جمله بازپروری و برقراری عدالت در جامعه است و در این راه از ابزارهای مهمی در زمینه فردی کردن مجازات‌ها بهره می‌برد که از جمله آن در نظر گرفتن شرایط و وضعیت فرد مجرم و همچنین توجه قاضی به پرونده شخصیت فرد می‌باشد. نتیجه حاصله از پژوهش نشان می‌دهد؛ تفرید مجازات‌ها نتایج مطلوبی در اتخاذ تصمیم عادلانه توسط مقام قضایی دارد و بر سبک زندگی و رفتار اجتماعی مجرم و کنترل رفتارهای جنایی که محتمل است در آینده ارتکاب یابند تأثیرگذار می‌باشد و میزان تمایل به باز بزهکاری را در مجرم کاهش می‌دهد. واژگان کلیدی: اصل تفرید مجازات‌ها، اصل قانونی بودن مجازات، اصل شخصی بودن مجازات‌ها، تکرار جرم

درآمد

یکی از اصولی که باعث عادلانه‌تر شدن واکنش اتخاذی در برابر جرم ارتكابی می‌شود، اصل فردی کردن واکنش اجتماعی یا همان اصل تفرید کیفری است (صانعی، ۱۳۷۱: ۲۴۲). برخی حقوقدانان، در تعریف اصل صدرالذکر بیان داشته‌اند، «انطباق مجازات با وضع و حال یکایک بزهکاران» (اردبیلی، ۱۳۸۱: ۱۹۹). برخی جرم‌شناسان نوشته‌اند، در مورد هر فردی باید کیفری متناسب با شخصیت و نوع جرم ارتكابی‌اش اعمال شود (مظلومان، ۱۳۵۶: ۶۸)؛ بنابراین با توجه به تعاریف فوق، باید گفت، در مورد یک جرم شایسته نیست صرفاً یک نوع و یک میزان مجازات برای همه مرتکبان در نظر گرفته شود؛ بلکه عدالت و انصاف در برخورد با مجرمین با توجه به وجود تفاوت‌های فردی در شکل‌گیری شخصیت انسان اقتضا می‌کند؛ مجازات جنبه فردی داشته و هرکس برحسب خصوصیات و شرایطی که دارد به مجازات متناسب محکوم شده تا در این فرآیند، مجازات مرتکبین شخصی گردد. نکته مهم در این خصوص آن است که فردی کردن، منحصر به مجازات نیست بلکه می‌توان با توسعه قلمرو آن به واکنش اجتماعی که تمامی مراحل رسیدگی کیفری اعم از تعقیب، رسیدگی، صدور حکم، اجرای مجازات و نیز بعد از اجرای حکم را دربر می‌گیرد، از مزایای اصل فوق در کلیه زمینه‌ها بهره برد (مقدسی، ۱۳۹۴: ۲۵).

۱- مقایسه اصل تفرید مجازات‌ها با اصل قانونی بودن مجازات‌ها

یکی از اصول بنیادین در حقوق کیفری، اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌هاست. جرایم، مجازات‌ها

و کیفیات آنها در لوای اصل فوق می‌بایست از قبل پیش‌بینی شده باشد. قانون‌گذاری‌های متفاوت، این اصل را یا در قوانین جزایی یا در قوانین اساسی و یا همچون حقوق ما در هر دو گنجانیده‌اند. دین مبین اسلام، با آوردن قاعده «قبح عقاب بلا بیان» بر این اصل صحنه گذاشته است و از بعد بین‌المللی مواد ۷ و ۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر و شهروند ۱۷۸۹ و همچنین مواد ۱۰ و ۵۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) به بیان این اصل پرداخته‌اند. در قوانین کشور ما نیز اصل ۳۶ قانون اساسی به این اصل پرداخته‌اند. مطابق این اصل؛ قانون جزا باید صریحاً نوع کیفر و میزان آن را تعیین کند. این امر با اصل فردی کردن مجازات‌ها مطابقت ندارد؛ چون بنا به اصل مذکور نه تنها دادرس باید در انتخاب نوع و میزان کیفر بنا به تناسب حال مجرم آزادی عمل داشته باشد، بلکه برخی دانشمندان اعتقاد دارند که باید محدود کردن کیفر را هنگام صدور دادنامه لغا نموده و سرنوشت محکوم را به اداره زندان سپرد تا همین مقامات زندان حسن سلوک او را مشاهده کرده و او را از زندان آزاد نمایند. در حقیقت بزهکار به بیماری تشبیه شده است که برای بهبود بیماری به بیمارستان اعزام می‌شود، ولی زمان بیرون آمدن او دقیقاً از قبل تعیین نشده و خروج او بستگی به بهبود و شفای کامل او دارد (محمودی، ۱۳۸۷: ۵۶)؛ بنابراین دستیابی به عدالت در راستای اجرایی شدن اصل تفرید مجازات‌ها بدون هماهنگی قوه مقننه در تصویب قوانین متناسب با اصل تفرید مجازات‌ها غیرممکن می‌باشد. در حقوق کیفری، از اصل قضایی بودن مجازات‌ها دو معنا اراده می‌گردد؛ در معنای نخست،

اصل قضایی بودن مجازات‌ها به معنای مداخله مقام صلاحیت‌دار همراه با اختیارات مناسب برای تعیین میزان مجازات‌ها در راستای اصل فردی کردن می‌باشد. اصل قضایی بودن بدین معنا حتی گاهی اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. اعطای اختیارات گسترده به قاضی برای تفرید کیفر ممکن است اصل قانونی بودن مجازات‌ها را کمرنگ نماید. رعایت تعادل در به‌کارگیری اصل قضایی بودن مجازات‌ها آن را همچون مکمل اصل قانونی بودن مجازات‌ها قرار می‌دهد (مارتی، ۱۳۸۱: ۱۱۲). اختیار قاضی در تعیین چندوچون مجازات‌ها در نوع مکاتب کیفری و نظام‌های حقوقی پذیرفته شده است. در اسلام نظرات قاضی بر حسب اوضاع و احوال و شرایطی که جرم واقع شده، مختلف می‌شود و کیاست و فراست و صداقت قاضی در این مورد، نقش مؤثری را ایفا می‌نماید؛ لذا برخی از نویسندگان حقوق از این هم‌پا را فراتر گذارده‌اند و پیشنهاد نموده‌اند که به جای مجازات‌های کنونی باید نظام مجازات‌های غیر معین اعمال گردد. به این معنی که وقتی دادگاه مجرمیت متهم را احراز نمود به صدور حکم محکومیت اکتفا نماید؛ زیرا تعیین قطعی مجازات در زندان با توجه به میزان پیشرفت زندانی در طریق زندگی اجتماعی و اصلاح حال او باید صورت گیرد (صانعی، همان: ۱۴۵). علی‌رغم نظر برخی از حقوقدانان که معتقدند اصل تفرید مجازات‌ها رد کلی اصل قانونی بودن مجازات‌ها می‌باشد به ارتباط نزدیک این دو اصل در مقررات کیفری اشاره شده است (بقائی نظر لو و طالونی، ۱۴۰۰: ۲۴). علاوه بر این



تلقی می‌گردد. این نوع فردی کردن را می‌توان در مواد ۳۷ و ۴۰ و ۴۶ قانون مجازات اسلامی به ترتیب راجع به تخفیف مجازات و تعویق صدور حکم و تعلیق مجازات مشاهده نمود. همچنین مواد ۳، ۴، ۵ و ۷ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح در خصوص تخفیف و تبدیل مجازات جرایم خاص نظامی و انتظامی از مصادیق این نوع فردی کردن مجازات می‌باشد.

۲-۳-تفرید اجرایی

در این نوع از فردی کردن، مقامات مجری حکم (اجرای احکام کیفری) با توجه به اختیارات تفویضی از سوی قانون‌گذار، اجرای حکم قطعی لازم‌الاجرا را با توجه به شرایط خاص محکومین به صورت ویژه‌ای اعمال می‌نمایند. عفو خصوصی محکومان مندرج در ماده ۹۶ قانون مجازات اسلامی یکی از مصادیقی است که می‌توان در این نوع فردی کردن، بدان اشاره نمود (زراعت و رحیمی، ۱۳۹۰: ۱۲۳).

۳- مبانی حقوقی اصل تفرید مجازات‌ها

اصل تفرید مجازات‌ها نیز همانند دیگر اصول حقوق کیفری و جرم‌شناسی، تابع مبانی مستدل و پذیرفته شده‌ای است که ضرورت و فلسفه وجودی آن را توجیه می‌نماید؛ مهم‌ترین این مبانی عبارت‌اند از:

۳-۱-تفاوت در شخصیت، منش، رفتار و موقعیت اجتماعی مجرمین

فایده‌مند بودن مجازات به نحوه استفاده از آن در جهت تطبیق این واکنش با شخصیت مجرمان بستگی دارد و جهت رسیدن به فایده‌مندی مجازات‌ها باید با رعایت اوضاع و احوال اجتماعی، جسمی، روانی مجرم و متناسب با شخصیت

اجتماعی می‌نماید که در این صورت به آن فردی کردن تقنینی گفته می‌شود. به عنوان مثال، تبصره ۳ ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی، در خصوص ربا بین پدر و فرزند و زن و شوهر و نیز دریافت ربا از کافر توسط مسلمان و ماده ۵۵۴ قانون فوق در مورد فراری دادن مجرم یا مخفی کننده توسط اقارب درجه اول که وی را مستوجب نصف حداکثر مجازات تعیین شده جرم ارتكابی می‌داند.

فردی کردن مجازات در مرحله اجرای حکم مبتنی بر این منطق است که مدت درست کیفر نه فقط بر مبنای جرم و شرایط آن بلکه بر مبنای خود کیفر آن گونه که به طور عینی جریان پیدا می‌نماید، تغییر می‌کند؛ پس اگر قرار باشد کیفر فردی گردد، باید بر مبنای فرد تنبیه شده صورت گیرد.

۲-۲-تفرید قضایی

در برخی موارد، مقنن این اختیار را به قاضی اعطا می‌نماید که بتواند با توجه به شرایط و اوضاع و احوال وقوع جرم، واکنش اتخاذی را با شخصیت و خصوصیت مرتکب منطبق سازد که در این صورت به آن فردی کردن قضایی کیفر گفته می‌شود. این نوع فردی کردن با توجه به ماهیت این اصل؛ تفرید مجازات‌ها در معنای خاص می‌باشد که مهم‌ترین مرحله از مراحل فردی کردن واکنش اتخاذی در برابر مجرم

در حقوق کیفری ایران قاضی می‌تواند از نتایج اصل قانونی بودن مجازات‌ها، خصوصاً تفسیر مضیق قوانین کیفری بهره جسته و نسبت به متهمینی که استحقاق کمک دارند؛ مساعدت نموده و زمینه معافیت آنها را از مجازات یا حداقل تخفیف مجازات، فراهم کند.

۲- تحلیل اصل تفرید مجازات‌ها

امروزه اصل تفرید مجازات‌ها تا حد زیادی موجب تعدیل اصل تساوی مجازات‌ها شده است؛ به عبارت دیگر، طبق اصل تساوی قانونی (تقنینی) همه افراد در برابر قانون مساوی هستند، اما اصل تساوی کیفر (قضایی-اجرایی) امر دیگری است که طبق آن، همه افراد از حیث اینکه در ازای ارتکاب جرم کیفر می‌بینند مساوی هستند نه اینکه لزوماً کیفر مساوی ببینند. در حقیقت اصل تناسب مجازات با جرم جای خود را با اصل تناسب مجازات با مجرم که در راستای اندیشه‌های اصلاح و درمان و در مسیر توجه به بزه‌کار و شخصیت او است، تغییر داده است. قانون‌گذار کشورمان نیز با عنایت به یافته‌های جرم‌شناسی دهه‌های اخیر، با نگرشی پویاتر، سیاست تفرید مجازات‌ها را مدنظر قرار داده و به ویژه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اجرای اصل تفرید مجازات‌ها را در قالب قوانین و تأسیساتی جدید در سه سطح تقنینی، قضایی و اجرایی عملیاتی نموده است.

۲-۱- تفرید تقنینی

بر اساس اصل قانونی بودن، تعیین جرایم و مجازات‌ها و اعطای اختیار به قاضی برای اجرای این اصل بر عهده قانون‌گذار است. در برخی موارد، قانون‌گذار با توجه به شرایط و اوضاع احوال خاص، اقدام به تشدید و تخفیف و تعلیق و... واکنش

مجرم برای وی مجازات تعیین شود؛ بنابراین مبنای فوق ضرورت واکنش و کیفر متفاوت و فردی شده را نسبت به مجرمینی که به لحاظ فردی و اجتماعی متفاوت هستند، ایجاب می‌نماید.

۳-۲- اجرای عدالت

مجازات مشابه برای جرایم مشابه عملاً منجر به عدالت نمی‌شود؛ زیرا الزاماً باعث اعمال مشقت یکسان بر افراد نبوده و بسته به شخصیت و موقعیت اجتماعی، امکانات مالی، وضعیت جسمانی و ... متغیر خواهد بود؛ بنابراین اصل تفرید مجازات‌ها یکی از جلوه‌های عدالت مبتنی بر مفهوم انصاف و عدالت قضایی بوده که صدور حکم و اجرای عادلانه‌تر مجازات‌ها را نسبت به مجرمین متفاوت تضمین می‌نماید.

۳-۳- ضرورت اصلاح و درمان مجرم

اصلاح و درمان مجرمین هم از کارکردها و هم از مبنای اصل تفرید مجازات‌ها محسوب می‌شود؛ چراکه اصلاح و درمان مجرمین متفاوت نیز از مسیر اعمال اصل تفرید مجازات‌ها میسر می‌گردد. تربیت مجدد، بازگشت به اجتماع و همچنین ممانعت از تکرار جرم بزهکاران ایجاب می‌نماید که قاضی با مطالعه شخصیت و اوضاع و احوال فردی و اجتماعی، مجازات قانونی آنها را فردی نموده و مجازات‌هایی را منطبق بر شخصیت، روحیه، اخلاق و شرایط آنها انتخاب نماید.

۳-۴- ضرورت بازدارنده بودن مجازات نسبت به مجرم

یکی از مکانیزم‌های فایده‌گرایانه مجازات، بازدارندگی یا همان ارعاب است. اعتقاد بر این است که با ترساندن می‌توان انسان را به عنوان یک موجود

حسابگر از نتایج برخی اعمالش بر حذر داشت. از آنجا که شخصیت و موقعیت بزهکاران متفاوت است، آثار ارعابی و درجه بازدارندگی مجازات بر آنها نیز متفاوت می‌باشد، لذا کیفر فردی شده نیز می‌تواند آثار ارعابی و درجه بازدارندگی را به نحو مطلوب‌تری برای بزهکاران، به دنبال داشته باشد (فروتن و امامی، ۱۴۰۰: ۱۲).

۴- مصادیق اصل تفرید مجازات‌ها در قوانین موضوعه ایران

برای رسیدن به این مهم لازم است؛ مصادیق اصل فردی کردن مجازات‌ها در قوانین موضوعه ایران در سه مرحله تعقیب، مرحله دادرسی ماهوی و مرحله اجرای حکم مورد بررسی قرار بگیرد.

۴-۱- مصادیق اصل فردی کردن مجازات‌ها در مرحله تعقیب

مرحله تعقیب، گام نخست و از مهم‌ترین مراحل در رسیدگی‌های کیفری است که در راستای حفظ و تأمین نظم و امنیت، حقوق بزه‌دیده و اجرای عدالت، در حقیقت پس از مرحله کشف جرم با اصول و مبانی و گستره حاکم بر تعقیب آغاز می‌شود. در تعقیب جرم شاکی، عهده‌دار پیگیری جنبه خصوصی جرم و دادستان، عهده‌دار جنبه عمومی جرم خواهند بود. تعقیب کیفری در اصل نسبت به جنبه عمومی صورت می‌گیرد و نمی‌توان آن را مصالحه و به این اعتبار مختومه کرد. شماری از روش‌های آیین دادرسی کیفری در مرحله تحقیقات مقدماتی به کنارگذاری تعقیب دعوای کیفری می‌انجامد (میری، ۱۳۹۰: ۵۸). جایگزین‌های تعقیب دعوای عمومی، تأسیسات مترقی هستند که در مرحله تعقیب و تحقیقات مقدماتی، فردی کردن عدالت کیفری را مدنظر قرار

می‌دهند. مصادیق جایگزین‌های مذکور در ایران عبارت‌اند از:

۴-۱-۱- تشکیل پرونده شخصیت

فرآیند دستیابی به عدالت کیفری در راستای اصل تفرید مجازات‌ها، مستلزم لوازمی می‌باشد که از مهم‌ترین آنها تشکیل پرونده شخصیت است. پرونده شخصیت حاوی نتایج مطالعات و آزمایش‌های پزشکی، روان‌شناسی، روان‌پزشکی و پژوهش‌های اجتماعی درباره متهم و محکوم است. دست‌اندرکاران عدالت کیفری با مطالعه این نتایج و به طور کلی اقدامات انجام یافته، سعی در تطبیق مجازات‌ها و به طور کلی تصمیم‌های قضایی با شخصیت متهم یا بزهکار دارند. در حقوق کیفری ایران، در برخی قوانین از جمله در مواد ۱۸، ۳۷، ۳۸، ۶۴، ... قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مواد ۲۰۳، ۲۸۶ و تبصره ماده ۶۰۸ قانون آیین دادرسی کیفری و مواد ۴۷ و ۶۴ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴ در مرحله اجرای مجازات حبس، صراحتاً به تشکیل پرونده شخصیت اشاره شده است؛ چون این پرونده محتوی اطلاعات مربوط به موقعیت جسمی، روانی و اجتماعی متهم می‌باشد، این امکان را به قاضی می‌دهد تا تصمیمات فردی ساز خود را اتخاذ کند (هدایتی، ۱۳۸۵: ۴۶).

۴-۱-۲- اخذ تأمین مناسب

صدور قرارهای تأمین نیز نوعی اقدامات مقدماتی برای اخذ تصمیم مقتضی قضایی در مراحل بعدی می‌باشد. در حقوق کیفری ایران از مفهوم و منطوق ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری استنباط می‌شود که قرارهای تأمین علاوه بر تناسب با شرایط جرم و مجازات، دلایل اتهام، احتمال فرار متهم و از



محکوم نموده؛ با رعایت شرایط مقرر در قانون مجازات، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی (شخص مجرم) به یک یا چند مجازات از مجازات‌های مذکور در ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی محکوم نماید. این مجازات علاوه بر مجازات اصلی مجرم و با توجه به وضعیت فرد و اوضاع احوال حاکم بر زمان وقوع بزه در تکمیل آن خواهد بود؛ بنابراین شرایطی که برای اعمال مجازات‌های تکمیلی پیش‌بینی شده است؛ موجب تفرید مجازات می‌شود.

۴-۲-۲- مجازات‌های جایگزین

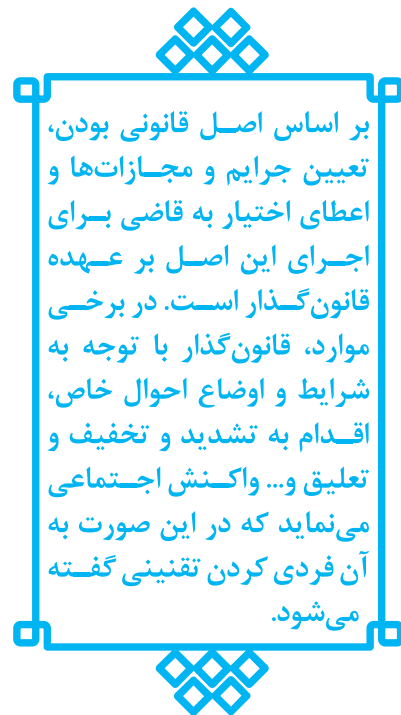
حبس

قانون‌گذار در پی احتراز از آسیب‌های حاصل از حبس و ساختار زندان با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نهاد کیفری نوینی را پیش‌بینی نموده و فصلی را (مواد ۶۳ تا ۸۶) به مجازات‌های جایگزین حبس اختصاص داده است. این بدین معناست که کیفرهای مزبور نظام‌مند و نوآوری دیگری به جامعه حقوقی و قضایی در راستای اعمال تفرید قضایی عرضه شده است.

۴-۲-۳- تعویق صدور حکم

تعویق صدور حکم یکی از نهادهای تعیین قضایی مجازات است. این نهاد در قالب قرار است و در هر حال به حکم می‌انجامد. حکم تعیین کیفر در صورت انجام بزه جدید یا پیروی نکردن از دستورهای دادگاه و حکم به معافیت در جایی که محکوم، هنجارهای جامعه و دستورهای دادگاه را رعایت کند. قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ این مقوله را در قسمت نخست ماده ۸۲ موردتوجه قرار داده است. بر اساس این ماده در جرایم تعزیری درجه شش تا

متهم خودداری و قرار بایگانی کردن پرونده را صادر کند».



۴-۲-۴- مصادیق اصل تفرید مجازات‌ها در مرحله دادرسی ماهوی

حسب سیاست تفرید مجازات‌ها، گاهی دادرس در جهت صدور حکم با عللی مواجه می‌گردد که تخفیف یا تشدید مجازات بزه‌کار را می‌طلبد (نوربها، ۱۳۸۶: ۴۲۳). همچنین در مواردی قاضی با تعویق صدور حکم در مدت معین و با لحاظ شرایطی، بزه‌کار را از ارفاق قانونی بیشتری برخوردار می‌سازد و حتی او را از تحمل مجازات مقرر در پایان مدت معین، معاف می‌کند. در برخی موارد نیز ممکن است قاضی به دلایلی به رغم صدور حکم، مصلحت را در معلق ساختن اجرای مجازات تشخیص دهد.

۴-۲-۱- مجازات‌های تکمیلی

دادگاه می‌تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری تا درجه ۶

بین رفتن آثار جرم، باید با سابقه متهم و وضعیت مزاج، سن و جنسیت او نیز تناسب داشته باشد؛ لذا صدور قرار تأمین متناسب با شخصیت متهم که ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری به آن اشاره نموده است از تمهیدات سیاست جنایی تقنینی ایران در راستای فردی کردن مجازات‌ها می‌باشد.

۴-۱-۳- تعلیق تعقیب

مطابق ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری، قرار «تعلیق تعقیب» از جمله قرارهای صادره در دادسرا است؛ با این تفاوت که به جای بازپرس، این دادستان است که قرار تعلیق تعقیب را صادر می‌کند. قرار تعلیق تعقیب به این معناست که اگرچه مجرمیت متهم محرز است؛ اما بنا بر دلایلی ادامه تعقیب کیفری او (صدور کیفرخواست و ارسال پرونده به دادگاه) بین شش ماه تا دو سال متوقف خواهد شد. صدور قرار تعلیق تعقیب صرفاً در اتهامات جرایم تعزیری درجه ۶ تا ۸ مجاز است؛ بنابراین قانون‌گذار شرایطی را برای تعلیق تعقیب پیش‌بینی نموده که توجه به آنها موجب فردی کردن تعقیب می‌شود (آشوری، ۱۳۸۲: ۲۳۴).

۴-۱-۴- بایگانی کردن پرونده

بایگانی کردن پرونده نیز در مقررات کیفری ایران، اقدام دیگری جهت فردی کردن تعقیب محسوب می‌گردد. ماده ۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت ... مقام قضایی می‌تواند پس از تفهیم اتهام با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق متهم و اوضاع و احوالی که موجب وقوع جرم شده است و در صورت ضرورت با اخذ التزام کتبی از متهم برای رعایت مقررات قانونی، فقط یک بار از تعقیب



هشت که مجازات آنها قابل تعلیق است، مقام قضایی می‌تواند تحت شرایطی، حداکثر دو ماه به متهم مهلت بدهد تا برای تحصیل گذشت شاکی یا جبران خسارت اقدام نماید.

۴-۲-۴- کیفیت تخفیف دهنده مجازات و معافیت از آن

زمانی که از کیفیت تخفیف دهنده مجازات‌ها سخن به میان می‌آید دو دسته از آنها را باید از هم تفکیک نماییم: دسته اول که به کیفیت مخففه قانونی موسوم‌اند؛ ویژگی این دسته از کیفیت یا معافیت‌ها آن است که قاضی به محض مواجهه با آنها و به مجرد حصول یقین، مکلف می‌باشد در اعمال آنها اقدام نماید. صدور حکم با توجه به این کیفیت، الزامی می‌باشد. در مقابل، دسته دیگری از کیفیت مخففه وجود دارد که برخلاف دسته نخست، در اختیار دادرسان دادگاه‌ها قرار دارد و کیفیت مخففه قضایی نامیده می‌شود. این کیفیت زمانی اعمال می‌گردد که دادگاه‌ها به دلایلی صدور حکم مجازات مقرر در قانون را برای مجرم، سنگین و رعایت تخفیف در مجازات را ضروری تشخیص می‌دهند. اعمال این دسته از کیفیت مخففه، مصداق بارز سیاست تفرید مجازات‌ها می‌باشد.

۴-۲-۵- تشدید مجازات

گاهی اوقات شرایط و اوضاع و احوال و علل و موجبات به گونه‌ای است که اقتضا می‌کند در مجازات افراد خاطی با شدت بیشتری برخورد شود. علل مشدده مجازات‌ها دو نوع هستند. علل مشدده عام که در قالب تعدد و تکرار جرم نمود پیدا می‌کنند و علل مشدده خاص که در قالب عنف، زمان و مکان وقوع جرم، به کار بردن سلاح، احصان، سردستگی،

مستی ... نمود پیدا می‌کنند. اعمال کیفیت مشدده نیز، از مصادیق سیاست تفرید مجازات‌ها می‌باشد.

۴-۲-۶- توبه

از جمله ابزارهای حقوق جزای اسلام در تفرید کیفری، توبه یا پشیمانی از انجام گناه و تصمیم به ترک آن در آینده می‌باشد که قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز در فصل پنجم از مواد ۱۱۴ تا ۱۱۹ به آن اشاره داشته است. امتیاز توبه نسبت به سایر نهادهای فردی کردن مجازات، تأکید و تکیه آن بر نیروی درونی (انگیزه الهی) می‌باشد.

۴-۲-۷- تعلیق اجرای مجازات

تعلیق مجازات یک وسیله ارفاقی است که دادگاه با رعایت شرایطی به مجرم اعطا می‌کند. در قانون مجازات اسلامی؛ تعریفی از تعلیق مجازات دیده نمی‌شود. به طور کلی تعلیق اجرای مجازات عبارت است از: معلق ساختن اجرای مجازات کسی که به کیفر مقرر در قانون محکوم شده است (اردبیلی و عظیم زاده، ۱۳۹۰: ۲۴۰). مطابق صدر ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی: «در جرایم تعزیری درجه سه تا هشت، دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را از یک تا پنج سال معلق کند...». با این وصف نهاد ارفاقی موصوف نیز از مهم‌ترین ابزارها در اعمال فردی کردن مجازات‌ها می‌باشد.

۴-۳-۴- مصادیق اصل فردی کردن مجازات در مرحله اجرای حکم

فردی کردن مجازات در مرحله اجرای حکم مبتنی بر این منطق است که مدت درست کیفر نه فقط بر مبنای جرم و شرایط آن بلکه بر مبنای خود کیفر آن گونه که به طور عینی جریان

پیدا می‌نماید، تغییر می‌کند؛ پس اگر قرار باشد کیفر فردی گردد، باید بر مبنای فرد تنبیه شده صورت گیرد (فوکو، ۱۳۸۵: ۳۴).

۴-۳-۱- نهاد آزادی مشروط

در اندیشه‌های کیفری در صورت محکومیت هر بزه‌کار، در کنار هدف تأدیب و تنبیه، اصلاح و باز اجتماعی شدن او نیز از اهداف مورد توجه می‌باشد. این بینش از اجرای مجازات وقتی با مفهوم اصلاح و تربیت همراه می‌گردد، به این نتیجه منطقی می‌رسیم که با تحقق اصلاح و باز اجتماعی شدن بزه‌کار، دیگر نیاز به گذراندن دوران کامل محکومیت نمی‌باشد. با اعطای آزادی مشروط به محبوسان، امکان اصلاح و بازگشت هر چه سریع‌تر آنان به جامعه فراهم می‌گردد و ضمن کاستن از هزینه‌های گزاف و بیهوده بر جامعه، می‌توان از آنها به عنوان نیروهای کارآمدی برای اجتماع استفاده نمود. هرچند در کنار امتیازهای این نهاد حقوقی، ایرادهایی بر آن وارد شده است (آشوری، ۱۳۸۲: ۴۷۳)؛ ولی باید توجه نمود که آگاهی هر چه بیشتر از فلسفه نهاد آزادی مشروط و توجه هر چه دقیق‌تر به مبانی سیاست تفرید مجازات‌ها از این ایرادها کم می‌کند. قانون‌گذاری ایران ضمن پذیرش نهاد آزادی مشروط در مقررات موضوعه کیفری، قلمرو اعمال سیاست تفرید مجازات‌ها را به مرحله اجرای محکومیت‌های کیفری تعمیم داده است.

۴-۳-۲- عفوهای خاص

برخی از انواع عفو با هدف فردی سازی مجازات پیش‌بینی گردیده‌اند؛ یعنی عفوهایی که با در نظر گرفتن خصوصیات شخص محکوم علیه اعطاء می‌گردند و



این روش علاوه بر تأکید بر قراردادی شدن عدالت کیفری بر پایه توافق؛ از یک سو ثبات خانوادگی بزهکار را حفظ کرده و از سوی دیگر اصلاح گام به گام مجرم را در دستور کار قرار می‌دهد. نظام نیمه آزادی نهادی است که می‌توان آن را از منظر وظیفه گرایانه و فایده گرایانه با تأکید بر توجیه کیفر، بررسی و تبیین نمود. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مواد ۵۶ و ۵۷ را به این نهاد نوین کیفری اختصاص داده است.

شرایطی می‌توانند از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، تقاضای تعلیق اجرای مجازات کند...». با این وصف نهاد موصوف نیز از مصادیق اعمال سیاست تفرید مجازات‌ها در مرحله اجرای حکم می‌باشد.

۴-۳-۴- نظام نیمه آزادی

نظام نیمه آزادی یکی از جلوه‌های اصل فردی کردن کیفر و از جمله روش‌هایی است که در راستای کاهش جمعیت کیفری زندان، آزادی نیمه‌وقت مجرم تحت نظارت دائمی را مجاز نموده است.

نه مجرم جرم ارتکابی. ماده ۹۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به عفو خاص توسط مقام رهبری اشاره می‌نماید. این نوع عفو در صورتی می‌تواند در جهت تفرید مجازات قرار بگیرد که در پیشنهاد ریاست محترم قوه قضاییه، خصوصیات و شخصیت محکوم مورد توجه باشد.

۴-۳-۳- تعلیق اجرای مجازات

مطابق ذیل ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی: «...در جرایم تعزیری درجه سه تا هشت... دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری و همچنین محکوم تحت

برآمد

تفرید مجازات‌ها از مهم‌ترین مسائلی است که مورد توجه فعالان عرصه حقوق کیفری قرار گرفته است؛ زیرا یکی از مهم‌ترین راه‌های برون‌رفت از وضعیت افزایش نرخ جرایم و تکرار جرایم؛ اولویت‌بخشی در به‌کارگیری الگوهای پیشگیرانه، اصلاحی و درمانی نسبت به الگوهای کیفری است. یکی از کلیدی‌ترین راهبردها در این خصوص، به‌کارگیری سیاست‌های تفرید مجازات‌ها است که جوهره اصلی آن اعمال اصل فردی کردن مجازات‌ها در انواع سه‌گانه تقنینی، قضایی و اجرایی است. این الگوهای پیشگیرانه، اصلاحی و درمانی بر تفاوت‌های فردی و اجتماعی بزهکاران مبتنی می‌باشد؛ چراکه تفاوت‌های فردی و اجتماعی بزهکاران، ضرورت اعمال اصل تفرید مجازات‌ها را برای نیل به بازدارندگی و جلوگیری از تکرار جرم، اصلاح و درمان مجرم و از همه مهم‌تر اجرای عدالت مشخص می‌کند.

در حقوق ایران اصل تفرید مجازات‌ها مورد توجه قانون‌گذار بوده و تدوین مکانیسم‌هایی از جمله قرارهای تأمین، تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات، رژیم نیمه آزادی، تعلیق مراقبتی و آزادی مشروط و ... از نتایج توجه مجامع علمی به اصل تفرید مجازات‌ها بوده که نهایتاً در قالب قوانین اعمال گردیده است. اعمال منطقی و متناسب اصل تفرید مجازات‌ها در محاکم، می‌تواند نقش مؤثری در اصلاح و باز اجتماعی شدن مجرمین، کاهش چشمگیر نرخ و تکرار بزه و جلوگیری و کاهش بسیاری از ضرر و زیان‌هایی که بر اثر اعمال مجازات‌ها بر خانواده مجرم و وابستگان وی وارد می‌گردد، داشته باشد.

فهرست منابع

- ۱- آشوری، محمد، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، تهران، نشر گرایش، چاپ اول، ۱۳۸۲
- ۲- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۱
- ۳- اردبیلی، فائزه؛ عظیم‌زاده حسایی، ساره، سیاست جنایی و تطور مفهومی آن، ماهنامه تعالی حقوق، سال چهارم، شماره ۱۵، ۱۳۹۰
- ۴- آنسل، مارک، دفاع اجتماعی؛ ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات راهنما، ۱۳۶۶
- ۵- بقائی نظری، فرید؛ طالونی، سهیل، مباشرت و ظهور اصل فردی کردن مجازات‌ها در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، فصلنامه بین‌المللی قانون یار، شماره ۱۶، ۱۳۹۹
- ۶- زراعت، عباس؛ رحیمی، صادق، فردی کردن ولایی مجازات‌ها، مجله دادرسی، شماره ۸۹، ۱۳۹۰
- ۷- صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی. تهران، گنج دانش، ۱۳۷۱
- ۸- فروتن، رضا؛ امامی، سید محمدرضا، مطالعه تطبیقی اصل فردی کردن مجازات‌ها در فقه جزایی اسلام و حقوق ایران با نگاهی به تحولات قانون مجازات اسلامی، فصلنامه فقه جزای تطبیقی، دوره اول، شماره اول، ۱۴۰۰
- ۹- فوکو، میشل، مراقبت و تنبیه؛ تولد زندان، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهانپور، چاپ ششم، تهران: نشر نی، ۱۳۸۵
- ۱۰- مارتی، میری دلماس، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی؛ ترجمه، نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ج ۱، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۱
- ۱۱- محمودی، غلامرضا، پایان‌نامه فردی کردن مجازات‌ها و آثار آن در جلوگیری از تکرار جرم، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، ۱۳۸۷
- ۱۲- مظلومان، رضا، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۸، ۱۳۵۶
- ۱۳- مقصدی، مهدی، اصل تفرید کیفری در جرایم و مجازات‌های نیروهای مسلح، چتر دانش، ۱۳۹۴
- ۱۴- میری، سیدرضا، آیین دادرسی کیفری: تعقیب کیفری (بررسی تطبیقی در نظام عدالت کیفری ایران و انگلستان)، چاپ یکم، انتشارات مجد، ۱۳۹۰
- ۱۵- نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، انتشارات میزان، ۱۳۸۶